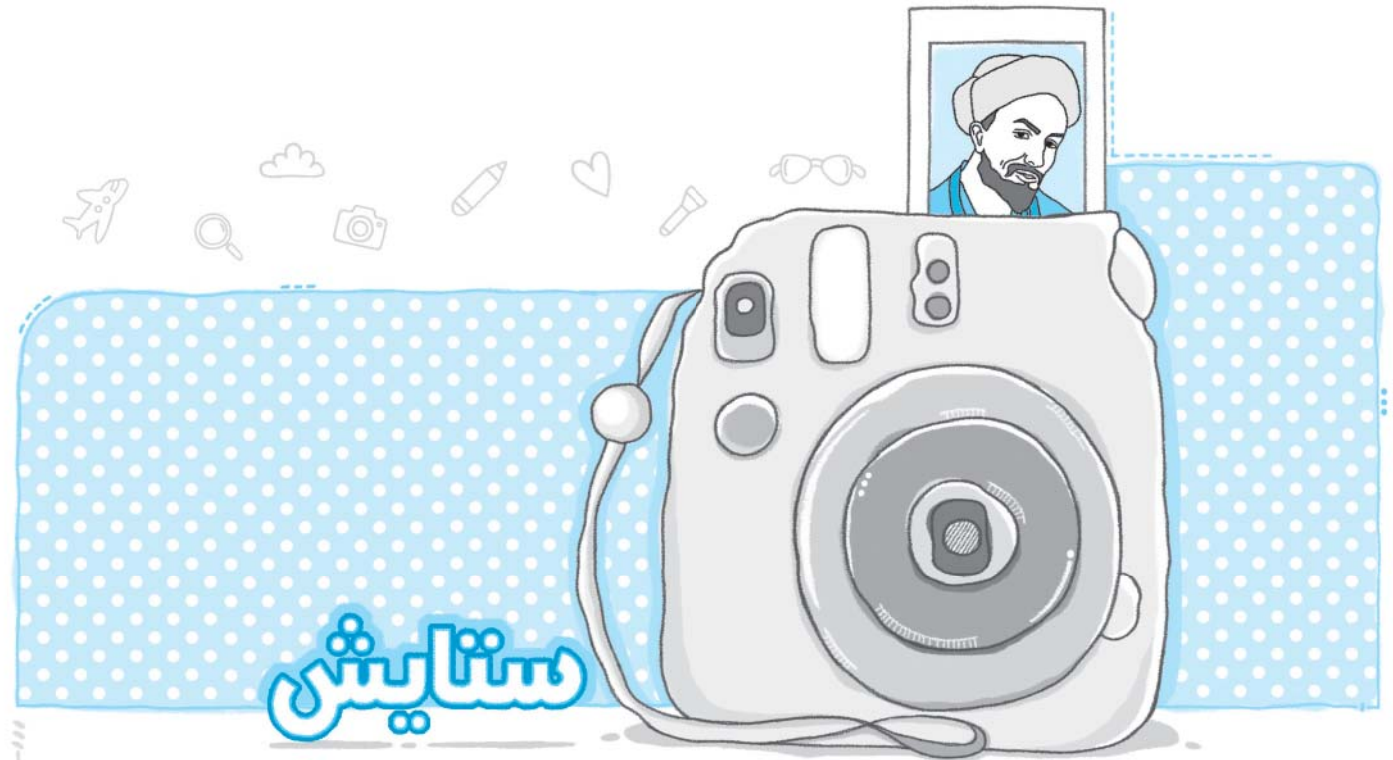


فهرست

۵	• ستایش
فصل اول: زیبایی آفرینش	
۸	درس اول: آفرینش همه تنبیه خداوندِ دل است
۱۹	درس دوم: عجایبِ صنُّعِ حق تعالی
فصل دوم: شکفتن	
۳۰	درس سوم: مثل آینه
۳۹	درس چهارم: هم‌نشین
فصل آزاد: ادبیات بومی ۱	
۴۶	درس پنجم: آزاد
فصل سوم: سبک زندگی	
۴۷	درس ششم: آداب زندگانی
۵۷	درس هفتم: پرتو امید
۶۳	درس هشتم: همزیستی با امام میهن
۷۳	• آزمون نیم‌سال اول
فصل چهارم: نام‌ها و یادها	
۷۵	درس نهم: راز موفقیت
۸۲	درس دهم: آرشی دیگر
۹۱	درس یازدهم: زن پارسا
فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی	
۹۷	درس دوازدهم: پیام‌آور رحمت
۱۰۳	درس سیزدهم: آشنای غربیان
۱۰۹	درس چهاردهم: پیدای پنهان
فصل آزاد: ادبیات بومی ۲	
۱۲۰	درس پانزدهم: آزاد
فصل ششم: ادبیات جهان	
۱۲۱	درس شانزدهم: آرزو
۱۲۷	درس هفدهم: شازده کوچولو
۱۳۱	• نیایش
۱۳۷	• آزمون نیم‌سال دوم
۱۳۹	• پاسخ‌نامه تشریحی



واژگان

ذکر: یاد

ملک: پادشاه

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی

قالب شعر: غزل

برگردان روان > خدایا تو را ستایش می‌کنم چون تو پاک و مُنَزّه هستی. فقط به همان راه که تو به من نشان می‌دهی می‌روم و جز آن، راه دیگری را انتخاب نمی‌کنم.

آرایه >> تکرار: تو / نغمه حروف: تکرار صامت‌های «ک» و «م» / مصراع اول: تلمیح به آیه ۱ سوره حمد: ﴿الحمد لله رب العالمین﴾: ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است. / مصراع دوم: تلمیح به آیه ۴ سوره حمد: ﴿اهدنا الصراط المستقیم﴾: ما را به راه راست هدایت فرما.

دستور >> بیت، ۶ جمله دارد. / ملک: منادا / تو (در جمله دوم): مفعول / تو (در جمله سوم): نهاد / پاک و خدا: مسند / راهنما: مسند مفهوم: خداوند پاک، پروردگار و راهنمای انسان‌ها است.

تاریخ ادبیات... سنایی غزنوی

ابوالمجد مجدود بن آدم شاعر و عارف معروف ایرانی در قرن ششم است. در آغاز، شاعری مدّاح بود؛ ولی تغییر حال داد و به عرفان روی آورد. وی دوستدار آل علی علیهم‌السلام بود. از آثار او می‌توان به «حديقة الحقیقة»، «سیرالعباد الی المعاد» و «کارنامه بلخ» اشاره کرد.

رمزنگاری: می‌توان آثار سنایی را با رمز «جس کارنامه» یاد گرفت:

ح ← حديقة الحقیقة س ← سیرالعباد الی المعاد کارنامه ← کارنامه بلخ

واژه‌های مهم املائی

ذکر - سنایی غزنوی

به نام خداوند جان و خرد

واژگان

خرد: عقل	برتر: بالاتر	بیننده: کسی که می‌بیند، چشمان
اندیشه: فکر، عقل	برگذشتن: طی شدن	نیابد: پیدا نمی‌کند
نام: شهرت، آوازه، اعتبار	جای: قدر و منزلت، مکان	جایگاه: قدر و منزلت
کیوان: ستاره زحل که در فلک هفتم می‌باشد.	گردان: چرخنده، دوار	میان: کمر
سپهر: آسمان، فلک، چرخ	فرزنده: تابان، خروشان	ستودن: ستایش کردن
ناهید: سیاره زهره	مهر: خورشید	بُرنا: جوان

قالب شعر: مثنوی^۱

◀ به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

قافیه > خرد - برنگذرد

برگردان روان > با نام خداوندی آغاز می‌کنم که دو نعمت بزرگ عقل و جان را به انسان عطا کرده است؛ زیرا فکر و اندیشه انسان نمی‌تواند فراتر از این برود.

آرایه >> تناسب: جان، خرد و اندیشه / واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «ن» و «د»

دستور >> بیت، ۲ جمله است. فعل جمله اول (آغاز می‌کنم) به قرینه معنوی حذف شده است / اندیشه: نهاد جمله دوم

◀ خداوند نام و خداوند جای خداوند روزی ده رهنمای

قافیه > جای - رهنمای

برگردان روان > خداوند بلندمرتبه صاحب اسما و صفات زیاد و آفریننده عالم هستی است. اوست که روزی‌دهنده موجودات و هدایت‌کننده آن‌ها است.

آرایه >> مصراع دوم: تلمیح به آیات ۳۷ سوره آل عمران: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ﴾ به راستی که خداوند، هر که را بخواهد روزی می‌دهد؛ و ۲۱۳ سوره

بقره: ﴿اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾ خدا هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند. / تکرار: خداوند / جناس تام: خداوند در مصراع اول در معنای صاحب و در مصراع

دوم در معنای «اللَّهُ» / واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «خ» و «ن»

دستور >> نام: مضاف‌الیه / جای: مضاف‌الیه / روزی‌ده: صفت / رهنمای: صفت / بیت ۳ جمله است.

◀ خداوند کیوان و گردان سپهر فرورزنده ماه و ناهید و مهر

قافیه > سپهر - مهر

برگردان روان > خداوندی که اجرام آسمانی در حال حرکت را آفریده است و اوست که به خورشید و ماه و ستارگان، نور و روشنی بخشیده است.

توضیح: منظور از «کیوان» در این جا کل آسمان است.

آرایه >> مراعات‌نظیر: کیوان، سپهر، ماه، ناهید و مهر / تضاد: ماه و مهر / واج‌آرایی: تکرار صامت «ن»

دستور >> ماه: مضاف‌الیه

◀ به بینندگان آفریننده را نبینی مرنجان دو بیننده را

قافیه > آفریننده - بیننده ردیف > را

برگردان روان > با چشمانت نمی‌توانی خدا را ببینی، پس برای این کار بی‌فایده چشمانت را اذیت نکن.

۱- مثنوی: در این قالب هر بیته قافیه مستقل و جداگانه خود را دارد.



آرایه «تلمیح به آیه ۱۰۳ سوره انعام: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْبَصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْبَصَارَ﴾: چشم‌ها او را در نمی‌یابند و اوست که دیدگان را درمی‌یابد.
دستور بیت ۲ جمله است / آفریننده: مفعول / بیننده: مفعول

نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه
قافیه راه - جایگاه

برگردان روان انسان با عقل و اندیشه خود نمی‌تواند خدا را بشناسد؛ زیرا خداوند از هر صفت و جایگاهی بالاتر است.

آرایه «تلمیح به حدیث «انَّ الله لا یوصف و لا یدرک»: خداوند در وصف و درک نمی‌آید. / تشخیص: راه‌یافتن اندیشه
دستور بیت ۲ جمله دارد / فعل «است» در آخر جمله دوم حذف به قرینه معنوی حذف شده است / اندیشه: نهاد / برتر: مسند

ستودن نداند کس او را چو هست میان بندگی را ببایدت بست
قافیه هست - بست

برگردان روان هیچ کسی نمی‌تواند خداوند را آن‌طور که شایسته است، ستایش کند، پس تو باید برای طاعت و بندگی تلاش کنی.

آرایه «تلمیح به حدیث «ما عبدناک حقَّ عبادتک»: تو را آن‌گونه که شایسته تو بود، عبادت نکردیم. / میان‌بستن: کنایه از آماده‌شدن / جناس ناقص: هست و بست

دستور ستودن: مفعول / او: مضاف‌الیه / «را» در مصراع دوم نشانه مفعول نیست.

نکته ...

حتماً توجه کنید که در مصراع اول ترتیب جمله این‌گونه است: «ستودن او را کسی چو (چنان‌که) هست، نمی‌داند»: پس ستودن مفعول است نه «او».

توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود
قافیه دانا - بُرنا
ردیف بود و بود

برگردان روان انسان با دانایی، توانایی را به دست می‌آورد و با دانش دل پیر، شاداب و جوان می‌ماند.

آرایه «تضاد: پیر و برنا

دستور توانا، دانا، برنا هر سه مسند هستند. / پیر: مضاف‌الیه

شعر چی گفت

فردوسی در این شعر خداوند را مورد ستایش قرار می‌دهد و می‌گوید که خدا را با چشمانمان نمی‌توانیم ببینیم و تفکر و اندیشه ما آدم‌ها نمی‌تواند خدا را بشناسد و درک کند. هم‌چنین به ما سفارش می‌کند که به دنبال کسب علم و دانش باشیم، چون دانش به ما قدرت و توانایی می‌دهد.

تاریخ ادبیات ... فردوسی



فردوسی در روستای باژ، واقع در منطقه توس خراسان به دنیا آمد. از نجیب‌زادگان و دهقانان توس بود. او مردی شیعه‌مذهب بود و دلبستگی‌اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن، مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر ﷺ نشد. فردوسی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید و در حالی که نزدیک به ۸۰ سال داشت، در سال (۴۱۱ ه. ق) قرن پنجم درگذشت و در توس به خاک سپرده شد. فردوسی در پاسداشت زبان فارسی، نقش بسیار برجسته‌ای دارد.

خلاصه فردوسی در توس به دنیا آمد، مذهبش شیعه بود و حدود ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه تلاش کرد. او در ۸۰ سالگی در قرن پنجم از دنیا رفت. او در پاسداشت زبان فارسی، نقش بسیار برجسته‌ای دارد.

واژه‌های مهم املائی

گردان سپهر - فروزنده - جایگاه - بُرنا - فردوسی - شاهنامه

فصل اول



درس ۱

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

☆ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

واژگان

حیران: سرگشته، سرگردان	گوی: نوعی توپ	بامداد: صبح
تقدیر: فرمان خدا، قسمت و سرنوشتی که خدا برای بندگان معین کرده است.	تفاوت: فرق	لیل: شب
عزیز: گرمی، ارجمند، کمیاب، شریف	نهار: روز	غفلت: ناآگاهی
قیامت: رستاخیز	پیش: جلو	دامن: گستره، پهنه، کناره هر چیز
بار: بزرگ، بزرگوار، خالق	تماشا: گردش کردن، دیدن	آفرینش: خلقت، به وجود آوردن
راست‌روان: هدایت‌شدگان، انسان‌های درستکار	تنبیه: هشیار کردن، آگاه‌ساختن کسی بر کاری	اقرار: آشکارگفتن، اعتراف
الوان: جمع لون، رنگ‌ها	عجب: عجیب، شگفت‌انگیز	وجود: هستی
سعادت: خوشبختی، نیک‌بختی	نقش: شکل، تصویر	عنب: انگور
آنعام: چهارپایان انعام: نعمت‌بخشیدن	خوشه: چندین دانه به هم پیوسته میوه	تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن، نیایش کردن
حَقّه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیز دیگر را نگه‌داری می‌کنند.	فکرت: فکر و اندیشه	مستمع: شنونده
مسخّر: رام و مطیع	اسرار: جمع سر، رازها	یاقوت: از سنگ‌های معدنی گران‌بها به رنگ سرخ
گرم: بخشش، رحمت، سخا	عاجز: ناتوان، درمانده	خار: تیغ
	کج‌رفتار: کسی که رفتار نادرست دارد.	خوار: پست
	جهالت: نادانی	مرغ سحر: بلبل
		حیف: افسوس، دریغ

قالب شعر: قصیده^۱

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار / خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

قافیه < نهار - بهار

برگردان روان < در صبح روز اول بهار که طول شب و روز آن یکسان و برابر است، رفتن به صحرا و تماشا کردن گل‌های زیبای بهاری، لذت‌بخش است.

آرایه << تضاد: لیل و نهار / مراعات‌نظیر: لیل، نهار و بامداد / جناس ناقص: بهار و نهار / تشخیص: دامن صحرا

دستور << بیت دو جمله است. / لیل و نهار: نهاد جمله اول / دامن: نهاد جمله دوم / خوش: مسند

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

قافیه < اقرار

برگردان روان < تمام پدیده‌های آفرینش برای آگاه کردن انسان‌ها هستند و اگر کسی وجود خدا را انکار کند، ذوق و احساس ندارد.

آرایه << واج‌آرایی «د» / جناس: «که» و «به» / تکرار: خداوند، ندارد، دل / جناس تام: خداوند در مصراع اول به معنای «صاحب، دارنده» است و در مصراع دوم به معنای «الله».

دستور << «که» معنای «کسی که» می‌دهد.

این‌همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

قافیه < دیوار

برگردان روان < هر کسی که با وجود این‌همه نقش‌ها و پدیده‌های عجیب هستی به آفریننده آن‌ها فکر نکند، همانند عکس و تصویر روی دیوار، بی‌احساس و بی‌روح است.

آرایه << مراعات‌نظیر: در و دیوار / اضافه تشبیهی: دیوار وجود / جناس ناقص: بر و در / مصراع دوم تشبیه است: هر که فکرت نکند (مشبه)، نقش بر دیوار (مشبه‌به) / تلمیح به حدیث امام علی علیه السلام: «ما رأیت شیئاً الا و رأیت الله قبله و بعده و معه»: چیزی ندیدم مگر این که خدا را قبل و بعد و با آن دیدم. / تکرار: نقش، دیوار

دستور << بیت ۳ جمله است. / نقش در مصراع اول: نهاد / نقش در مصراع دوم: مسند

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند / نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار

قافیه < اسرار

برگردان روان < کوه، دریا و درختان (همه موجودات) در حال نیایش خداوند هستند، اما هر شنونده‌ای این راز را درک نمی‌کند.

توضیح: منظور از «کوه، دریا و درختان» در این بیت، تمام آفریده‌های خداوند است.

آرایه << مراعات‌نظیر: کوه و دریا و درختان / بیت تلمیح دارد به آیه ۴۴ سوره اسراء: «ان من شیء الا لیسبح بحمده ولكن لا تفقهون تسبیحهم»: هیچ چیز نیست مگر این که در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید ولی شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید. / تشخیص: مصراع اول / نغمه حروف: تکرار صامت «ر»

دستور << بیت دو جمله است. / کوه و دریا و درختان: نهاد / تسبیح: متمم / اسرار: مفعول

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: / آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟

قافیه < بردار

برگردان روان < آیا خبر داری که پرندگان به هنگام صبح می‌گویند: «ای انسان غافل، از بی‌خبری و نادانی، رها شو»؟

توضیح: منظور از «خفته» در این بیت، انسان غافل است.

آرایه << مراعات‌نظیر: خواب، سحر و خفته / جناس ناقص: سر و سحر / اضافه تشبیهی: خواب جهالت / سر از خواب برداشتن: کنایه از آگاهی و بیداری /

تشخیص: مرغان ... می‌گویند

۱- قصیده: قالبی است که مصراع اول با تمامی مصراع‌های زوج آن هم‌قافیه هستند. به شکل زیر توجه کنید:

x _____ x _____
x _____
x _____
x _____



دستور بیت ۴ جمله است. / مرغان: نهاد / خفته: منادا / خواب: متمم

◀ تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

قافیه < بیدار

برگردان روان < تا کی می‌خواهی مانند گل بنفشه، در غفلت و نادانی به سر ببری؟ حیف است که تو بی‌خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد.

آرایه << مراعات‌نظیر: بنفشه و نرگس / تشبیه: چو بنفشه / جناس: در و سر / بنفشه در این بیت، نماد «غفلت» و نرگس نماد «آگاهی» است. /

کنایه: سر غفلت در پیش گرفتن / تضاد: خواب و بیدار / تشخیص: سر داشتن بنفشه و بیداربودن نرگس

دستور << «حیف» نقش مسندی دارد / «ی» در خوابی، به معنی «هستی»، فعل اسنادی است.

◀ که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟

قافیه < خار

برگردان روان < چه کسی غیر خدا می‌تواند از چوب درخت بی‌بار، میوه‌های رنگارنگ و از خار، گل‌های سرخ زیبا پدید آورد؟

آرایه << تضاد: گل و خار / مبالغه: صدبرگ / تناسب: گل، خار، میوه، برگ و چوب / جناس تام: که ← چه کسی، که ← حرف ربط / تکرار:

که (چه کسی)

دستور << هر دو مصراع، استفهام انکاری است / بیت ۴ جمله است / میوه: مفعول / گل: مفعول / خار: متمم

نکته ...

«دانستن» در مصراع دوم در معنای توانستن به کار رفته است.

◀ عقل حیران شود از خوشه زین عنب فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار

قافیه < انار

برگردان روان < عقل از زیبایی خوشه طلایی انگور، متحیر است و فهم از درک زیبایی انار که مانند یک صندوقچه جواهر پر از یاقوت سرخ و

ارزشمند (دانه‌های انار) است، ناتوان است.

آرایه << تشخیص: حیران‌شدن عقل و عاجزبودن فهم / مراعات‌نظیر: فهم و عقل / اضافه تشبیهی: حقه یاقوت انار، انار(مشبه)، حقه یاقوت

(مشبه‌به) / تناسب: خوشه و عنب و انار

دستور << بیت ۲ جمله است / حیران: مسند / عاجز: مسند

◀ پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید، مسخر کند و لیل و نهار

برگردان روان < خداوند پاک و بی‌عیب با دستور خود، تمام پدیده‌ها و موجودات (ماه، خورشید و شب و روز) را فرمان‌بردار خود کرده است.

آرایه << تضاد: لیل و نهار / مراعات‌نظیر: ماه و خورشید / بیت، تلمیح به آیه ۳۳ سوره ابراهیم: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ

وَالنَّهَارَ﴾: و خورشید و ماه را - که پیوسته روانند - برای شما رام گردانید و شب و روز را نیز مسخر شما کرد.

دستور << بیت ۲ جمله است / ماه، خورشید، لیل و نهار: مفعول / مسخر: مسند

◀ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

قافیه < هزار

برگردان روان < اگر همه مردم تا روز قیامت درباره بخشش و لطف خداوند سخن بگویند، باز هم یکی از هزاران لطف و رحمت خداوند گفته نمی‌شود.

آرایه << تناسب و تضاد: یک و هزار

دستور << بیت ۲ جمله است / سخن: مفعول / همه: نهاد

« نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار

قافیه > شکرگزار

برگردان روان > پروردگارا، نعمت‌های تو قابل شمردن نیست و هیچ انسان شکرگزاری نمی‌تواند شکر نعمت‌های بی‌کران تو را به جای آورد.

آرایه >> مراعات نظیر: نعمت، شکر، انعام و شکرگزار / ز عدد بیرون‌بودن: کنایه از بی‌شماربودن

دستور >> بیت ۳ جمله دارد / خدا: منادا / بیرون: مسند / شکر: مفعول

« سعديا، راست‌روان، گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد کج‌رفتار

قافیه > رفتار

برگردان روان > ای سعدي، انسان‌های درستکاری که از راه راست منحرف نشدند، به سعادت و خوشبختی می‌رسند؛ بنابراین تو هم انسانی صادق و راستگو باش، زیرا انسان بدرفتار به هدف و مقصودش نمی‌رسد.

آرایه >> جناس: که و به / اضافه تشبیهی: گوی سعادت، سعادت (مشبّه)، گوی (مشبّه‌به) / گوی‌بردن: کنایه از دست‌یافتن و سبقت‌گرفتن / به

منزل نرسیدن: کنایه از گمراه‌شدن / تضاد: راست‌رو، کج‌رفتار / تخلص: سعدي

دستور >> سعدي: منادا / راست‌روان: نهاد / گوی: مفعول / کج‌رفتار: نهاد

« شعر چی گفت

سعدي در این قصیده به این موضوع اشاره می‌کند که خالق همه هستی، خداست و تمام موجودات به این قضیه ایمان دارند و انسان باید خیلی بی‌معرفت باشد که این موضوع را انکار کند؛ و در انتها سعدي می‌گوید که راه به دست آوردن خوشبختی قدم‌بردشتن در راه راست است.



تاریخ ادبیات ... سعدي

مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی (۶۹۰ - ۶۰۶ ه. ق.) شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. سعدي در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد. علاوه بر این‌ها، قصاید و غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی دارد که همه در «کلیات» وی گردآوری شده است.

خلاصه > سعدي شاعر قرن هفتم در شیراز، مهم‌ترین آثار او «بوستان» و «گلستان» است. به مجموعه آثار سعدي که شامل قصاید و غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی می‌شود «کلیات» گفته می‌شود.

واژه‌های مهم املايي

تنبیه - اقرار - نقش عجب - تسبیح - مستمع - اسرار - خواب جهالت - الوان - خار - خوشه زرين - عاجز - حقه یاقوت - تقدیر - مسخر - انعام - گوی سعادت - قصاید

درس‌نامه

نکته ادبي

در این قسمت می‌خواهیم با چندتا از آرایه‌های ادبی آشنا بشیم، چون برای این که شعر رو زیبا کنیم، بهشون احتیاج داریم. به قول مولوی: آن‌چه شیران را کند روبه‌مزاج احتیاج است، احتیاج است، احتیاج است.

تشبيه

تشبیه یعنی دو چیز رو به هم مانند کنیم، در یک صفتی که بین هر دوی آن‌ها مشترک باشه؛ مثل این که بگیم: «علی مانند شیر شجاع است»؛ الان ما علی رو به شیر تشبیه کردیم.



مثال دانش در روشنگری همچون چراغ است.

دانش ← مشبه ← چراغ ← مشبّه به ← همچون ← ادات تشبیه ← روشنگری ← وجه شبه

ارکان تشبیه:

مشبه: اون کسی یا چیزیه که ما می‌خوایم تشبیهش کنیم. (علی)

مشبّه به: اون کسی یا چیزی که نفر اول (مشبه) را به اون تشبیه می‌کنیم. (شیر)

وجه شبه: ویژگی یا صفت مشترک بین مشبه و مشبّه به وجود داره؛ و اگه ما بخوایم راحت پیداش کنیم، می‌ریم سراغ «مشبّه به»! مثلاً می‌گوییم

کدوم صفت توی شیر بارزتره؟ خب معلومه: شجاعت. (شیر)

ادات تشبیه: کلمه‌ایه که رابطه تشبیه رو برقرار می‌کنه. کلماتی از قبیل: مثل، مانند، همانند، چو، همچون، چون و ...

نکته ...

برای پیدا کردن «وجه شبه» باید سراغ «مشبّه به» برویم و در واقع وجود وجه شبه در مشبّه به بارزتر می‌باشد.

مثال همه تیغ و ساعد ز خون بود لعل

مشبه: تیغ و ساعد مشبّه به: لعل وجه شبه: سرخی

در واقع «سرخی» در «لعل» راحت‌تر پیدا می‌شود که در این تشبیه ذکر نشده است.

مثال‌های بیشتر

• چهره‌اش همانند آفتاب می‌درخشد.

مشبه: چهره مشبّه به: آفتاب ادات تشبیه: همانند وجه شبه: درخشیدن

درخشیدن کار آفتاب است و در آن بارزتر است.

• ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد

مشبه: ایام مشبّه به: عمر ادات تشبیه: چو وجه شبه: شتاب کردن

• برق چون شمشیر بَران / پاره می‌کرد ابرها را

مشبه: برق مشبّه به: شمشیر ادات تشبیه: چو وجه شبه: بَران بودن

نکته ...

حواستون باشه در تشبیه، دو رکن اصلی مشبه و مشبّه به قابل حذف نمی‌باشد اما ادات تشبیه و وجه شبه می‌تونن حذف بشن.

توجه بچه‌ها دقت کنید که داخل کتاب درسی ما یه نوع تشبیه داریم، به اسم «اضافه تشبیه»: گاهی وقت‌ها معلم‌های

دلسوز و سخت‌گیر این تشبیه را از ما می‌خواهند.

حالا به تعریف زیر توجه کنید:

اضافه تشبیه:

هرگاه مشبّه به به مشبه اضافه شود، اضافه تشبیهی خلق می‌شود. برای نمونه:

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

در بیت بالا «مس وجود» و «کیمیای عشق» هر دو اضافه تشبیهی هستند؛ وجود به مس و عشق به کیمیا تشبیه شده است.

فرمول اضافه تشبیه: مشبّه به + مشبه

نکته ...

وقتی می‌گوییم اضافه تشبیهی، باید یاد ترکیب اضافی (مضاف + مضاف‌الیه) بیفتیم؛ یعنی مشبه ما مضاف‌الیه و مشبّه به ما

مضاف است.

جان بخشی (تشخیص)

هر موقع به یک پدیده غیر از انسان، صفت، حالت و رفتار آدمی رو ببخشیم، به آن جان بخشی یا تشخیص می‌گوییم؛
مثال «کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار در این بیت تسبیح‌کردن یک عمل انسانی است که به کوه و دریا و درختان نسبت داده شده است.

مثال‌های بیشتر

- سحر در شاخسار بوستانی چه خوش می‌گفت مرغ نغمه‌خوانی در مثال بالا مرغ مانند انسان صحبت می‌کند.
- باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند. باغ مثل یک انسان سلام می‌کند و سرو مانند یک آدم روی پاهایش می‌ایستد و قیام می‌کند!

مراعات نظیر (تناسب)

اگر شاعر تعدادی کلمه که از نظر نوع، جنس، زمان، و مکان و ... با هم تناسب داشته بیاورد، به آن آرایه تناسب و مراعات نظیر می‌گویند؛
مثال «کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار در این بیت بین واژه‌های کوه و دریا و درختان تناسب وجود دارد، چون همه آن‌ها پدیده‌های طبیعی هستند.

مثال‌های بیشتر

- ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری بین واژه‌های «ابر، باد، مه، خورشید، فلک» از جانب این‌که اجرام آسمانی هستند، تناسب وجود دارد.
- ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد بین واژه‌های «ارغوان، سمن، نرگس، شقایق» تناسب وجود دارد (هر یک اسم گل می‌باشند).

واژه‌شناسی

گاهی تغییر در یک واج، موجب تغییر معنای یک واژه می‌شود. به عنوان نمونه واژه «انعام» به معنی بخشش و واژه «أنعام» به معنی چارپایان است.
مثال‌های بیشتر «گل - گل / مهر - مهر

حکایت

سفر

واژگان

آسیاب: آسیاب	درنگ: توقف، سکون، صبر
معرفت: شناخت، علم	نباید: ضروری نباشد، لازم و واجب نباشد

روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد.
برگردان روان یک روز، شیخ و راهنمای ما ابوسعید ابی‌الخیر، با گروهی از همراهانش به در آسیابی رسید؛ اسبش را نگه داشت و توقف کرد و مدتی، صبر کرد.

آرایه «افسار اسب را کشیدن: کنایه از متوقف کردن اسب از حرکت
دستور «افسار: مفعول / درنگ: مفعول

پس به همراهان گفت: «می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟ می‌گوید: معرفت این است که من در آنم.»
برگردان روان سپس به همراهانش گفت: «می‌دانید که این آسیاب چه چیزی را به ما می‌گوید؟ می‌گوید: شناخت واقعی همین است که من در حال پرداختن و انجام دادن آن هستیم.»



آرایه «تشخیص: آسیاب چه می گوید، می گوید... / گرد خویش گشتن: کنایه از خودشناسی / تلمیح به حدیث نبوی «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»

دستور «همراهان: متمم / «چه» در چه می گوید: مفعول

«گرد خویش می گردم و پیوسته در خود سفر می کنم تا هر چه نباید از خود دور گردانم.

برگردان روان < به هنگام گشتن، با خودم اندیشه می کنم و به کارهای خودم توجه می کنم و آن چیزهایی را که شایسته نیستند، انجام نمی دهم و از خودم دور می سازم.

آرایه «در خود سفر می کنم: کنایه از خودشناسی

دستور «دور: مسند

حکایت چی گفت

انسان برای این که به مقام بالایی از معرفت برسد، باید خودش را مورد ارزیابی قرار بدهد و صفات و اخلاقیاتی که بد و ناپسند هستند را از خودش دور کند.

واژه های مهم املائی

افسار اسب - معرفت - گردِ خویش - اسرارالتوحید - محمّد بن منور

تاریخ ادبیات... اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید

کتابی است در احوال ابوسعید ابی الخیر که محمّد بن منور (یکی از نوادگان وی) آن را نگاشته است.



پرسش های درس اول

۱ ابیات و عبارات زیر را به فارسی روان ترجمه کنید.

- ۱ خداوند نام و خداوند جای
- ۲ به بینندگان آفریننده را
- ۳ نیابد بدو نیز اندیشه راه
- ۴ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- ۵ تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش
- ۶ عقل حیران شود از خوشه زرین عنب
- ۷ سعدیا، راست روان، گوی سعادت بردند
- ۸ سر اسب کشید و ساعتی درنگ کرد.
- ۹ گرد خویش می گردم و پیوسته در خود سفر می کنم تا هر چه نباید، از خود دور گردانم.

۲ ترجمه لغاتی را که زیرشان خط کشیده شده بنویسید.

- ۱ خداوند کیوان و گردان سپهر
- ۲ توانا بود هر که دانا بود
- ۳ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
- ۴ که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟
- ۵ فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار.
- ۶ فرورنده ماه و ناهید و مهر
- ۷ ز دانش دل پیر برنا بود

۶ پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز...

۷ سعدیا، راست‌روان، گوی سعادت بردند

۸ نعمتت بار خدایا، ز عدد بیرون است

۹ سر اسب کشید و ساعتی درنگ کرد.

۱۰ معرفت این است که من در آنم.

۳ آرایه‌های بیت‌های زیر را بنویسید.

۱ خداوند کیوان و گردان سپهر

۲ ستودن نداند کس او را چو هست

۳ این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

۴ کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند

۵ خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند

۶ عقل حیران شود از خوشه زربین عنب

۷ سپس به همراهان گفت: «می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟»

۴ کتاب اسرارالتوحید اثر کیست و در مورد چه کسی است؟

۵ متن زیر توضیح زندگی‌نامه کدامیک از شعرا می‌باشد؟

«او مردی شیعه‌مذهب بود و دلبستگی‌اش به میراث قومی و فرهنگی ایران کهن، مانع از ارادت خالصانه او به خاندان پیامبر ﷺ نشد. وی ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه رنج کشید.»

۶ جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

۱ سعدی در سال ۶۵۵ هجری قمری را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) را تألیف کرد؛ او همچنین قصیده و غزلیات، قطعات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی دارد که مجموع آن‌ها را می‌نامند.

۲ در پاسداشت زبان فارسی، نقش بسیار برجسته‌ای دارد.

۳ مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی شاعر و نویسنده بزرگ قرن است.

۴ ویژگی یا صفت مشترک بین مشبه و مشبه‌به را می‌نامند.

۷ غلط‌های املائی را در عبارت‌های زیر مشخص کنید و صحیح آن‌ها را بنویسید.

۱ خداوند کیوان و گردان سپهر

۲ دل ندارد که ندارد به خداوند اغرار

۳ کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند

۴ فهم، عاجز شود از هُقه یاغوت انار

۵ نعمتت بارخدایا، ز عدد بیرون است

۶ یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خوار؟

۷ افثار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد.

۸ اصرارالتوحید اثر محمد بن منور می‌باشد.

نه همه مصتمعی فهم کنند این اسرار

شکر انعام تو هرگز نکند شکرگذار



۸ در بیت‌های زیر یک تشبیه، یک جان‌بخشی (تشخیص) و یک مراعات‌نظیر پیدا کنید.

- ۱ جواهر تو بخشی دل سنگ را تو در روی جوهر کشی رنگ را
 ۲ مرادر خانه سروی هست کاندرا سایه قدش فراغ از سرو بستانی و شمشاد چمن دارم
 ۳ خرد را تو روشن‌بصر کرده‌ای چراغ هدایت تو بر کرده‌ای

۹ نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.

- ۱ به بینندگان آفریننده را نبینی مرنجان دو بیننده را
 ۲ نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه
 ۳ بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار
 ۴ خیرت هست که مرغان سحر می‌گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟
 ۵ تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

۶ سپس به همراهان گفت: «می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟»

۱۰ درستی یا نادرستی جملات زیر را مشخص کنید.

- | | | |
|-----------------------|-----------------------|---|
| درست | نادرست | ۱ فردوسی برای سرودن شاهنامه حدود ۵ سال تلاش کرد. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۲ انعام به معنی بخشش و انعام به معنی چهارپایان است. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۳ به مجموعه آثار سعدی «خمسه» می‌گویند. |
| <input type="radio"/> | <input type="radio"/> | ۴ هرگاه شاعر یا نویسنده صفات انسانی را به یک غیر جاندار ببخشد، به آن آرایه، تشخیص می‌گویند. |

★ پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۱ گزینه درست را انتخاب کنید.

۱ در میان ترکیب‌های زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«گردان سپهر - خواب جعالت - مصتمع و شنونده - الوان و رنگارنگ - خوار و خاشاک - حَقَّةُ یاقوت - اسرارالتوحید»

الف: ۴ ج: ۱ ب: ۲ د: ۳

۲ معنای واژه‌های «معرفت، انعام، تنبیه» در کدام گزینه آمده است؟

الف: شناخت، چهارپایان، آگاه کردن

ب: شناخت، نعمت بخشیدن، هشیار ساختن

ج: علم، نعمت بخشیدن، مجازات کردن

د: علم، چهارپایان، مجازات کردن

۳ در کدام گزینه کلمه مشخص شده درست معنی نشده است؟

الف: خداوند نام و خداوند جای (مکان)

ب: ز دانش دل پیر بُرنا بود (جوان)

ج: روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد. (تفکر)

د: که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ (رنگارنگ)

۴ متن زیر در مورد کدام شاعر است؟

«وی در توس به دنیا آمد، مذهبش شیعه بود، حدود ۲۵ یا ۳۰ سال برای سرودن شاهنامه تلاش کرد، او در سن ۸۰ سالگی در قرن پنجم از دنیا رفت؛ او در پاسداشت زبان فارسی، نقش بسیار برجسته‌ای دارد.»

الف: رودکی ب: اسدی توسی ج: فردوسی د: دقیقی توسی

۵ سعدی شاعر کدام قرن است؟

الف: پنجم ب: هفتم ج: هشتم د: ششم

۶ کتاب اسرارالتوحید اثر کیست و در مقامات چه کسی نوشته شده است؟

الف: محمد بن منور - شیخ ابوسعید ابی‌الخیر ب: خواجه نظام‌الملک - محمد بن منور
ج: محمد بن منور - بایزید بسطامی د: عطار نیشابوری - شیخ ابوسعید ابی‌الخیر

۷ در همه بیت‌ها به‌استثنای بیت آرایه تشخیص به کار رفته است.

الف: به تیره‌روزی من چشم روزگار گریست ندانم آن مه تابان چه در کمان دارد
ب: ز سخت‌جانی آینه حیرتی دارم که تاب جلوۀ آن یار مهربان دارد
ج: سزد که اهل نظر سینه را نشان سازند که ترک عشوه‌گری تیر در کمان دارد
د: ز هر طرف به تظلم نیازمندی چند رخ نیاز بر آن خاک آستان دارد

۸ در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، تضاد، کنایه، جناس» یافت می‌شود؟

الف: سعديا، راست‌زوان، گوی سعادت بردند راستی کن که به منزل نرسد کچرفتار
ب: نعمت بارخدايا، ز عدد بیرون است شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
ج: عقل حیران شود از خوشۀ زرین عنب فهم، عاجز شود از حقه یاقوت انار
د: که تواند که دهد میوه‌ الوان از چوب یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟

۹ آرایه‌های کدام گزینه صحیح نمی‌باشد؟

الف: نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه (تشخیص، کنایه)
ب: بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار (تضاد، جناس)
ج: این‌همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار (تشبیه، تناسب)
د: خیرت هست که مرغان سحر می‌گویند آخر ای خفته، سر از خواب جهالت بردار؟ (تشبیه، جان‌بخشی)

۱۰ در کدام بیت آرایه مراعات‌نظیر وجود ندارد؟

الف: خداوند کیوان و گردان‌سپهر فرورزنده ماه و ناهید و مهر
ب: ستودن نداند کس او را چو هست میان‌بندگی را ببایدت بست
ج: که تواند که دهد میوه‌ الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟
د: کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مستعی فهم کنند این اسرار

۱۱ نقش دستوری کلمات مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟

الف: نیابد بدو نیز اندیشه راه که او برتر از نام و از جایگاه (مفعول)
ب: بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار (نهاد)
ج: این‌همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار (مسند)
د: که تواند که دهد میوه‌ الوان از چوب؟ یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟ (متمم)



۱۲ عبارت «گفت: آخر کیست که تو را نمی‌هد که بیرون آیی؟ گفت: آن کس که تو را نمی‌گذارد که اندرون آیی. خود، کس اوست که تو او

را نمی‌بینی.» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟

- الف:** هیچ عاشق خود نباشد وصل جو
ب: پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست
ج: نیابد بدو نیز اندیشه راه
د: به بینندگان آفریننده را

۱۳ بیت «درخت تو گر بار دانش بگیرد / به زیر آوری چرخ نیلوفری را» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- الف:** خداوند کیوان و گردان سپهر
ب: به نام خداوند جان و خرد
ج: توانا بود هر که دانا بود
د: نیابد بدو نیز اندیشه راه

۱۴ بیت «به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد» با کدام بیت، قرابت معنایی ندارد؟

- الف:** این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود
ب: ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
ج: کسی ماهیت ذاتش نداند
د: نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی

۱۵ مفهوم بیت «گفتم این شرط آدمیت نیست / مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

- الف:** خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند
ب: کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند
ج: تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش
د: این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

۱۶ در کدام گزینه آثار سنایی غزنوی نیامده است؟

- الف:** آواز پر جبرئیل
ب: حدیقة الحقیقة
ج: کارنامه بلخ
د: سیر العباد الی المعاد

۱۷ در همهٔ گزینه‌ها به غیر از آرایهٔ تشبیه موجود است.

- الف:** مرا چون هاتف دل دید دم‌ساز
ب: سخن جان است و جان داروی جان است
ج: آتشم تیز مکن ورنه دهانم بگشا
د: تو مردم بین که چون بی رای و هوش‌اند

- بـرآورد از رواق همت آواز
 مگر چون جان عزیز از بهر آن است
 چند چون دیگ کنم نالهٔ سرپوشیده؟
 که جانی را به نانی می‌فروشند

پاسخ نامه تشریحی



پاسخ پرسش‌های درس اول

پاسخ ۱

۱ خداوند بلندمرتبه و صاحب اسما و صفات زیاد و آفریننده عالم هستی است. اوست که روزی دهنده موجودات عالم و هدایت کننده آنها است.

۲ با چشمانت نمی‌توانی خدا را ببینی، پس برای این کار بی‌فایده چشمانت را اذیت نکن.

۳ انسان با عقل و اندیشه خود نمی‌تواند خدا بشناسد؛ زیرا خداوند از هر صفت و جایگاهی بالاتر است.

۴ تمام پدیده‌های آفرینش برای آگاه کردن انسان‌ها هستند و اگر کسی وجود خدا را انکار کند، ذوق و احساس ندارد.

۵ تا کی می‌خواهی مانند گل بنفشه، در غفلت و نادانی به سر ببری و سر خم کنی؟ حیف است که تو بی‌خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد.

۶ عقل از زیبایی خوشه طلایی انگور، متحیر است و فهم از درک زیبایی انار که مانند جعبه جواهرات پر از دانه‌های یاقوت‌رنگ سرخ است، ناتوان است.

۷ ای سعدی، انسان‌هایی که راه درست رفتند، به سعادت و خوشبختی می‌رسند؛ بنابراین تو هم انسانی صادق و راستگو باش، زیرا انسان بدرفتار به هدف و مقصودش نمی‌رسد.

۸ اسبش را نگه داشت و توقف کرد و مدتی صبر کرد.

۹ به دور خود می‌چرخم (به خودشناسی می‌پردازم)، با خودم اندیشه می‌کنم و به کارهای خودم توجه می‌کنم تا آن چیزهایی را که شایسته نیستند انجام ندهم و از خودم دور سازم.

پاسخ ۲

۱ فروزنده: تابان، نوردهنده به چیزی - ناهید: سیاره زهره

۲ برنا: جوان

۳ تنبیه: هشیار کردن، آگاه ساختن کسی بر کاری

۴ الوان: جمع لون، رنگ‌ها

۵ عاجز: ناتوان، درمانده - حقه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیز دیگر را نگه‌داری می‌کنند.

۶ تقدیر: فرمان خدا، قسمت و سرنوشتی که خدا برای بندگان معین کرده است.

۷ راست‌روان: انسان‌های درستکار، کسانی که از راه راست خارج نمی‌شوند.

۸ انعام: نعمت‌بخشیدن (انعام: چهارپایان)

۹ درنگ: توقف، سکون، صبر

۱۰ معرفت: شناخت، علم

پاسخ ۳

۱ مراعات‌نظیر: کیوان، سپهر، ماه، ناهید و مهر / واج‌آرایی: تکرار صامت «ن»

۲ تلمیح به حدیث «ما عبدناک حَقَّ عبادَتِک» (تو را آن‌گونه که شایسته بود، عبادت نکردیم) / میان‌بستن: کنایه از آماده‌شدن

۳ در و دیوار: مراعات‌نظیر / اضافه تشبیهی: دیوار وجود / جناس ناقص اختلافی: بر و در / تشبیه: مصراع دوم است، هر که فکرت نکند (مشبه)، نقش بر دیوار (مشبه‌به)

۴ مراعات‌نظیر: کوه و دریا و درختان / بیت تلمیح دارد به آیه ۴۴ سوره اسراء: ﴿إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَلْبَسْ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ / تشخیص: مصراع اول

۵ مراعات‌نظیر: خواب، سحر و خفته / جناس: سر و سحر / اضافه تشبیهی: خواب جهالت / سر از خواب برداشتن: کنایه از آگاهی و بیداری / تشخیص: مرغان می‌گویند

۶ تشخیص: حیران‌شدن عقل و عاجزبودن فهم / مراعات‌نظیر: عنب و انار / اضافه تشبیهی: حقه یاقوت انار / بین خوشه و عنب، یاقوت و انار و بین فهم و عقل تناسب وجود دارد.



۷ تشخیص: آسیاب ... چه می گوید

پاسخ ۴

محمد بن منور - ابوسعید ابی‌الخیر

پاسخ ۵

فردوسی

پاسخ ۶

۱ بوستان - گلستان - کلیات

۲ فردوسی

۳ هفتم

۴ وجه‌شبه

پاسخ ۷

۱ فروزنده

۳ مستعی

۵ انعام / شکرگزار

۷ افسار

۲ اقرار

۴ حقّه / یاقوت

۶ خار

۸ اسرارالتوحید

پاسخ ۸

۱ تشخیص (دل سنگ): سنگ مانند انسان دل دارد.

۲ مراعات‌نظیر: بین واژه‌های سرو، شمشاد، چمن

۳ اضافه تشبیهی (چراغ هدایت): هدایت به چراغ تشبیه شده است.

پاسخ ۹

۱ مفعول

۲ مسند

۳ مسند

۴ نهاد

۵ مفعول

۶ متمم

پاسخ ۱۰

۱ نادرست؛ حدود سی سال

۲ درست

۳ نادرست؛ مجموعه آثار سعدی، کلیات نام دارد.

۴ درست

پاسخ ۱۱

۱ گزینه د «جحالت، مستمع و خوار» نادرست هستند و

«جهالت، مستمع و خار» صحیح می‌باشند.

۲ گزینه ب

۳ گزینه ج توقف

۴ گزینه ج

۵ گزینه ب

۶ گزینه الف

۷ گزینه ج «تُرک عشوه‌گری» تیر در کمان دارد نه خود «عشوه‌گری».

بررسی تشخیص در سایر گزینه‌ها:

گزینه «الف»: چشم روزگار

گزینه «ب»: سخت‌جانی آینه

گزینه «د»: زُخ نیاز

۸ گزینه الف جناس: که و به / اضافه تشبیهی: گوی سعادت /

گوی‌بردن: کنایه از دست‌یافتن و سبقت‌گرفتن / به منزل

نرسیدن: کنایه از گمراه‌شدن / تضاد: راست‌رو، کج‌رفتار

۹ گزینه الف کنایه ندارد و تلمیح به حدیث «انّ الله لا یوصف و

لا یدرک» (خداوند و در وصف و درک نمی‌آید) دارد.

۱۰ گزینه ب مراعات‌نظیر ندارد.

بررسی مراعات‌نظیر در سایر گزینه‌ها:

گزینه «الف»: کیوان، سپهر، ماه، ناهید و مهر

گزینه «ج»: گل، خار، میوه، برگ و چوب

گزینه «د»: کوه، دریا و درختان

۱۱ گزینه الف «اندیشه» نهاد می‌باشد (چه کسی راه نیابد؟

اندیشه).

۱۲ گزینه ج مفهوم عبارت این است که وجود خداوند متعال

با چشم و وجود مادی قابل درک نیست.

۱۳ گزینه ج هر دو بیت به اهمیت علم و دانش اشاره می‌کند.

۱۴ گزینه الف مفهوم سایر بیت‌ها ناتوانی انسان را در برابر شناخت

خداوند می‌رساند.

۱۵ گزینه ب همه موجودات خدا را تسبیح می‌گویند.

۱۶ گزینه الف

۱۷ گزینه د در این گزینه، «چون» معنای چگونه می‌دهد و

ادات تشبیه نیست.

بررسی تشبیه در سایر گزینه‌ها:

گزینه «الف»: دل: مشبّه، هاتف: مشبّه‌به

گزینه «ب»: سخن: مشبّه، جان: مشبّه‌به

گزینه «ج»: ضمیر متصل «م» در «کنم» به دیگ تشبیه

شده است.